

همسرم به بهانه آرایشگری مرا سرکیسه می کرد

9 شهریور 1404

مردی که متهم است همسر صیغه‌ای‌اش را به خاطر اختلافات مالی با طناب خفه کرده، در جلسه دادگاه مدعی شد روز حادثه رفتارهای مقتول و جنون آنی باعث این جنایت شد.

به گزارش «ایران»، اواخر سال 1402 گزارش قتل زنی 40 ساله به پلیس اعلام شد. پس از حضور مأموران در محل جنایت که خانه‌ای در محدوده قرچک بود، مشخص شد وی با طناب خفه شده است. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که در زمان قتل دو فرزند 16 و 9 ساله مقتول در خانه خواب بودند و عامل قتل دست‌ها و دهان قربانی را با شال بسته بود.

تیم جنایی در تحقیقات اولیه دریافت مقتول از چند ماه قبل به عقد موقت مردی به نام خسرو درآمده و با او زندگی می‌کرد اما از زمان وقوع جنایت وی ناپدید شده است. فرزندان مقتول به مأموران گفتند: «مادرمان سه بار ازدواج کرده و از ازدواج اولش نیز یک پسر 23 ساله دارد. خسرو دیروز عصر به خانه‌مان آمد اما وقتی صبح بیدار شدیم، او در خانه نبود.»

در حالی که مأموران به دنبال ردی از او بودند چند ساعت بعد از بیمارستانی در ورامین خبر رسید که خسرو با علایم خودکشی در بیمارستان بستری شده است.

وقتی مأموران به بیمارستان رفتند، پدر خسرو که آنجا بود، به مأموران گفت: «ساعت 8 صبح پسر من تماس گرفت و با ناراحتی گفت در پارک هستم. او گفت مریم را خفه کرده و حالا هم می‌خواهد خودکشی کند؛ سعی کردم او را منصرف کنم اما نشد. از آنجا که نشانی محل پارک را به یکی از دوستانش داده بود، خودم را به محل رساندم و دیدم گردنش را با چاقو بریده و بیهوش روی زمین افتاده که او را به بیمارستان رساندیم.»

مدتی بعد که متهم به بهبودی نسبی رسیده بود، تحت بازجویی قرار گرفت و در تشریح ماجرا گفت: «حدود 6 ماه قبل با مریم آشنا شدم. او آرایشگر بود و می‌خواست سالن زیبایی راه‌اندازی کند. از من خواست تا کمکش کنم و من هم پذیرفتم. او هر دو-سه هفته یکبار به بهانه‌های مختلف از من درخواست پول می‌کرد. از 50 میلیون تا 150 میلیون به او پول دادم. یک روز حسابم را جمع‌بندی کردم و دیدم یک میلیارد و 200 میلیون تومان به او پول داده‌ام اما نه سالنی راه‌اندازی شده و نه نشانه‌هایی از یک کسب و کار می‌بینم. فقط من مانده بودم و کلی بدهی و قرض. مدام هم تلفنش زنگ می‌خورد و مردان ناشناسی به او پیام می‌دادند که می‌گفت درباره کار راه‌اندازی سالن است. تا اینکه شب حادثه به خانه رفتم. وقتی بچه‌هایش خوابیده بودند، من که قدری مشروب خورده بودم و حال طبیعی نداشتم، از او پرسیدم پول‌ها را چکار کردی که ناگهان شروع به فحاشی کرد و با هم درگیر شدیم. در یک لحظه عصبانی شدم و طنابی را دور گردنش پیچیدم و آنقدر فشار دادم تا خفه شد. بعد هم از ترسم فرار کردم و می‌خواستم خودم را بکشم اما موفق نشدم.»

پزشکی قانونی نیز در گزارشی اعلام کرد که متهم در زمان وقوع جرم مسئول اعمال کیفری خودش بوده است.

با اظهارات صریح متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه 13 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اولیای دم به جایگاه رفتند و خواستار قصاص متهم شدند و اظهار کردند حاضر هستند تفاضل دیه را پرداخت کنند تا متهم قصاص شود.

پس از آن متهم در حالی که اشک می‌ریخت و ابراز ندامت می‌کرد، به جایگاه رفت و گفت: «آن شب وقتی عصبانی شدم، در یک لحظه جنون به من دست داد و نفهمیدم که چه کاری انجام می‌دهم. بعد از آن آنقدر به هم ریختم که تصمیم گرفتم خودکشی کنم و حتی گلویم را بریدم و به کما رفتم اما به طور معجزه‌آسایی نجات پیدا کردم.»

سپس وکیل تسخیری متهم به جایگاه رفت و گفت: «به نظر می‌رسد موکلم دچار جنون آنی شده و نتوانسته خودش را کنترل کند. از این رو درخواست می‌کنم در صورت صلاحدید او را برای معاینات روانی به کمیسیون 3 نفره بفرستید.»
در پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

کامران علمدهی